

فیلم سینمایی «بیرو» ساخته مرتضی علی عباس میرزایی، در ژانر زندگی‌نامه‌ای و از گونه ورزشی، سرگذشت علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان تیم ملی را روایت می‌کند. روایتی از کودکی تا عضویت در باشگاه‌های مطرح کشور و سرانجام تیم ملی و حضور در جام جهانی. شخصیت او زمانی برای مخاطب ایرانی بیش از پیش مطرح می‌شود که او گریه پنالتی کریستیانو رونالدو را در جام جهانی ۲۰۱۸ می‌گیرد و کاپیتان پلانمناغ فوتبال ایران می‌شود. فیلم «بیرو» به مانند غالب این گونه آثار، بحث رقابت، تلاش، کار تیمی، مشکلات پیش روی رسیدن به قهرمانی و مسائلی از این دست، تم تکرارشونده آن است. فارغ از کارگردانی، بازی و عدم درک صحیح از سوزه که قابلیت بسیاری در خلق درامی زندگی‌نامه‌ای را داشت، فیلمی با شاخصه‌های سینمای ملی شناخته می‌شود. جهانی که برای شخصیت ترسیم می‌کند در مجموع به روشنی و امید می‌انجامد. امیدی که به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر یکی از گمشده‌های اصلی سینمای ایران باشد. شخصیت با وجود فقر استخوان خرد کن و گزنده‌ای که با سرنوشته‌ش گره خورده، دست از تلاش برای رسیدن به امل و آرزوهای دوران کودکی خود برنمی‌دارد و در نهایت نیز علی‌رغم تمام مشکلات پیش رو به مقصود خود می‌رسد. هر چند تا میانه راه موانع بسیاری پیش رویش قرار می‌گیرد، اما جامعه تلاش او را نادیده نگرفته و در نهایت قدر می‌بیند. این فیلم که با نگاه به مخاطب نوجوان ساخته شده است، می‌تواند نقش الگوفرینی و انگیزشی برای نوجوانان امروز ایرانی داشته باشد. آنها را در مسیری که آرزو دارند تنها نمی‌گذارد و برای آنها علیرضا بیرانوندی را مثال می‌زند که به جز تلاش فردی و تحمل تمام ناملایمات، هیچ چیز راه گشای مسیر پر سنگلاختن نیست. مقاومت او با قدری که بر تمام ارکان زندگی‌اش سایه افکنده، قابل الگوبرداری است. این الگوبرداری از این باب میسر می‌نماید که مخاطب با کاراکتری روبروست که هم عصر و هم دوره اوست. جهان او را شناخته و با آن زندگی کرده است. بیرو، قهرمانی دست نیافتنی و دور از زمانه نیست. الگویی ملموس و کاملا واقعی از انسانی خودساخته و سخت کوش ارائه می‌دهد که می‌تواند در کنار تلخ کامی‌های بسیار زندگی امروز انسان ایرانی، راه موفقیت را با سختی و مرارت‌های بسیار بیپیماید و به نتیجه برسد. در کنار این مضمون که چندان در سینمای ایران مورد توجه نبوده و زندگی‌نامه ورزشی به مانند سینمای امریکا جایگاهی نداشته، این

فیلم می‌تواند علیرغم نقاط ضعف بسیار، شروعی باشد برای خلق شخصیت‌های ملموس و معاصر مخاطب که بتوان او را همراهی کرد و در مقاطعی نمونه عینی مقاومت در برابر تمام ناملایمات را مثال زد. او را در ذهن آورد و بسای ناملایمات مدام دلایل و توجیحات مختلف نیابرد. البته تمام این بحث ها زمانی می‌تواند قابلیت تأثیر گذاری داشته باشد که در اجرا و استفاده از تکنیک‌ها به حد قابل قبول رسیده باشد که موضوع بحث نیست. بیرو فیلم تقابل هاست، تقابل میان فقیر و غنی، شهرستانی و تهرانی، کار و رسیدن به آرزو. در میان این تقابل‌ها، سمت قهرمان خود را می‌گیرد و این موارد را به عنوان سسد راهی برای رسیدن به موفقیت معرفی می‌کند. ضمن اینکه دپوژی از بی‌عدالتی میان بچه‌های شهرستان و تهرانی را ترسیم می‌کند و به نقد تمرکز گرایی در پایتخت می‌پردازد. تنها

نگاهی به فیلم «بیرو»

مسیر ناهموار پیروزی



شخصیت باید به هر طریقی شده در پایتخت راه رسیدن به‌ه موفقیت را طی کند. در آیین تقابل بحث قومیت‌های مختلف را مطرح می‌کند و توجه به قوم و قبیله و نگاه عشیرهای در فرهنگ ایرانی نیز یکی از درونمایه‌های فرعی اثر محسوب می‌شود. تا جایی که در برخی پلان‌ها، لر بودن یا بودن شخصیت به کمکش می‌آید و انسان ایرانی را هنوز درگیر نگاه قبیله‌ای و قومی تعریف می‌کند. در لایه‌های دیگر، هنگامی که بحث فقیر و غنی را مطرح می‌کند، به نقد تفکر سرمایه‌داری پرداخته و اقتصاد را ضمن اینکه در بسیاری موارد حلال مشکلات است، به عنوان رکن اصلی معرفی می‌کند. پایتخت نشینان و مریبانی که جایگاه و امکاناتی دارند، در مقابل فقر ناگزیر علیرضا بیرانوندی، حساسیت و بی توجه نشان می‌دهد. تنها شخصیتی که او را در جنگ میان فقر و فوتبال همراهی می‌کند و او

سه فیلم جدید ۱۰ هزار نفر را به سینماها کشاندند

و اگر فیلم‌هایی که همزمان با مسابقات جام جهانی روی پرده می‌روند با استقبال مخاطب روبرو نشوند تا پایان سال می‌توانند بدون محدودیت آیین‌نامه‌ای روی پرده باقی بمانند. همچنین قرار بر این بود از فیلم‌هایی که در این روزها اکران می‌شوند حمایت مالی شود ولی جزئیاتی از این حمایت مالی سازمان سینمایی تاکنون منتشر نشده و سینماداران و تهیه‌کننده‌ها نیز اطلاعات چندانی از آن ندارند.

با این حال در حالی‌که بیش از هفت ماه از سال ۱۴۰۱ گذشته، فروش کل سینمای ایران تاکنون به ۲۸۲ میلیارد تومان رسیده است و تعداد مخاطب هم از ۹ میلیون نفر گذر کرده است. در حال حاضر فیلم «نفرادی» پر فروش‌ترین فیلم‌ها در روزهای گذشته افزایش چندانی نداشته و بسیاری از سینماداران به این امید هستند که با حمایت‌های سازمان سینمایی، فیلم‌های جدیدی به چرخه اکران اضافه شوند تا رکورد سینما که شرایط سخت‌تری را نسبت به دوران کرونا تجربه می‌کند، کمتر شود. اخیرا شورای صنفی نمایش اعلام کرد، هر دو هفته نمایش فیلم‌های جدیدی که اکران شوند، یک هفته محاسبه خواهد شد

امیر حسین ترابی مطرح کرد

هنور فرهنگ رده‌بندی سنی در جامعه جا نیفتاده است

سریال «خون سرد» به کارگردانی

امیرحسین ترابی و تهیه‌کنندگی بهمن کامیار از معدود آثار شبکه نمایش خانگی است که در ژانر جنایی و پلیسی ساخته شده است. این سریال که از پلتفرم فیلم نت پخش می‌شود تا امروز ۱۱ قسمت از آن به پخش رسیده و بازبینی‌های چون شهرام حقیقت‌دوست، امیر آقایی، سارا بهرامی، سارا رسول‌زاده و نیما شیعان‌نژاد در آن ایفای نقش کرده‌اند.

سریال «خون سرد» در این مدت با

سریال‌های خارجی مشابهی مقایسه شده است. برخی شباهت‌های این سریال با نمونه‌های خارجی را مورد انتقاد قرار داده و بعضی به تحسین آن پرداخته‌اند. علاوه بر این «خون سرد» روایتگر معضلات اجتماعی روز جامعه نیز هست. و این ارتباطی به سن و سال ندارد.

توسط دو نهاد نیروی انتظامی و ساترا بر بررسی قرار داده که در ادامه می‌خوانید:

سریال «خون سرد» با رده‌بندی سنی ۱۵+
به پخش رسیده، دلیل این رده‌بندی سنی چیست و بر چه اساسی دیده این سریال برای افراد زیر ۱۵ سال پیشنهاد نمی‌شود؟

ساترا نهاد ناظر بر شبکه نمایش خانگی با بررسی‌هایی که داشت به این نتیجه رسید که سریال «خون سرد» با رده‌بندی سنی ۱۵+ به پخش برسد و انتخاب این سن برای من هم مشخص نیست و فکر می‌کنم کاملا سلیقه‌ای است.

به نظر من یکسری از صحنه‌های سریال «خون سرد» حتی می‌تواند برای رده‌بندی سنی ۱۸+ مناسب باشد، به طوری‌که در کشورهای مختلف رده‌بندی سنی به همین شکل است. ممکن است شما در حال تماشا یا یک سریال در نت‌فلیکس باشید، در حالیکه این سریال را تماشا می‌کنید ممکن است سانسور رده‌بندی سنی ۱۸+ باشد و پیش از پخش آن سانسور به صورت زیرنویس به شما اطلاع‌رسانی شود.

متأسفانه در کشور ما این‌ن موضوع جا نیفتاده و به طور کل دستگاه‌های ناظر بر محتوای شبکه نمایش خانگی خود را ملزم به رده‌بندی سنی کل سریال می‌کنند.
رده‌بندی سنی در میزان مخاطبان خیر؟

قطباً تأثیرگذار است اما من بر این عقیده‌ام که هنوز این فرهنگ در خانواده‌های ایرانی جا نیفتاده است که اگر یک سریال با درجه‌بندی

را به

نیازهای اولیه زندگی تا حدی نزدیک می‌کند مریی ای است که خود از امکانات مادی خوبی برخوردار نبوده و با این حال در چند پلان مختلف از جای خواب تا پول غذا و… برای بیرانوند تدارک می‌بیند. نقد سرمایه‌داری در تقابل میان تهرانی و شهرستانی، نیز به خوبی مطرح می‌شود. در فیلم، تهران شهری نا امن، بی رحم، خشن و بی‌اخلاق ترسیم می‌شود. گویی تهران نمودی است از جامعه فاقد عدالتی که در آن تنها روابط حاکم است و ضابطه‌ای نمی‌تواند آن را سامان دهد. شخصیت اصلی برای رسیدن به اهدافش مورد ناملایمات بسیاری در این شهر قرار می‌گیرد. به جز یک مریی، همه آنچه در شهر تهران او را درگیر خود کرده اند، مانعی برای رسیدن به موفقیت محسوب می‌شود. گویی او شهروندی درجه دوم است که تنها به عنوان نیرویی خدماتی برای هر چه بهتر برگزار شدن این تقابل پذیرفته می‌شود. این تلقی و نگاه سیاه به پایتخت، برای مخاطب شهرستانی صحه گذاشتن بر عدم امکانات لازم و کمبود منابع برای رسیدن به موفقیت است. ضمن اینکه نگاه کلیشه‌ای به کلان شهر تهران در این فیلم، در کنار قابلیت الگودپوژی از شخصیت بیرانوند برای مخاطب نوجوان، می‌تواند به ویژگی خنثی شدگی اثر بیاتجامد. چرا که تمام امکانات و آسودگی و رفاه را در تهران و اهالی پایتخت نشان می‌دهد و شائبه همه چیز در برای رسیدن به موفقیت با تمام موانع، تأثیر می‌گذارد و ممکن است اثر امیدبخشی فیلم را تحت الشعاع خود قرار دهد. اگر مکان وقوع حوادث و معضلات شخصیت اصلی را

به بیرون از تهران ببریم به نظر می‌رسد او چندان مشکلی برای رسیدن به موفقیت ندارد. اما حضور او در تهران و کمبودهایی که از نیازهای اولیه تا گذران شنب و روز با آن درگیر است، یکی از موانعی اصلی او برای رسیدن به موفقیت است. مانعی جدی و اصلی که می‌تواند مسیر پیشرفت و رسیدن به کاپیتانی را برایش بیش از پیش سخت کند. و به نظر می‌رسد عدم همراهی یا او در این شهر همان نبود امکانات و بی عدالتی در سطوح مختلفی است که امکان رشد و پیشرفت را برای همه فرزندان ایران فراهم نکرده و همه آنها سهم یکسانی از مسیر رشد و تعالی ندارند. اما با تمام این تفاسیر کوشش و تلاش شیانه روزی حساسیتی و بی توجه نشان می‌دهد. تنها شخصیتی که می‌سازد که مثال نقض بی عدالتی را در ذهن مخاطب جای می‌دهد.

پرده به ترتیب میزان فروش بر اساس اطلاعات سامانه سمافا ظهر جمعه ۱۳ آبان منتشر می‌شود:
۶۲۶ هزار نفر تماشاگر/ ۱۵ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان فروش
«نفرادی» به کارگردانی مسعود اطیابی: دو میلیون و ۲۵۰ هزار نفر تماشاگر/ ۷۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان فروش
«سگ بند» به کارگردانی مهراڻ احمدی: یک میلیون و ۲۹۰ هزار نفر تماشاگر/ ۴۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان فروش
«هلفراز» به کارگردانی کاظم نادش: ۶۲۲ هزار تماشاگر/ ۲۱ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان فروش
«الاولا» به کارگردانی ارسلان امیری: ۶۰ هزار نفر تماشاگر/ ۲ میلیارد تومان فروش
«بازپو» به کارگردانی امیرحسین قهرایی: ۸۴ هزار نفر تماشاگر/ دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان فروش
«زلیلا» به کارگردانی ارسلان امیری: ۶۰ هزار نفر تماشاگر/ ۲ میلیارد تومان فروش
«بانک‌زده‌ها» به کارگردانی جواد ارکانی: ۶۷ هزار نفر تماشاگر/ یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان فروش
«بسام بالا» به کارگردانی سیدجمال سیدحاتمی: ۳۲ هزار نفر تماشاگر/ ۷۰۰ میلیون تومان فروش
«شین» به کارگردانی میثم کزازی: ۲۳ هزار نفر تماشاگر/ ۷۰۰ میلیون تومان فروش



یکسری آیتم مشترک می‌رسید که ناخودآگاه اثران شباهت‌هایی به دیگر آثار پیدا می‌کند. به عنوان مثال دربارہ سوزه قاتل سریالی؛ پرداخت مستقیم به شخصی خاص را کاملآرد داشته‌اند که باعث شده در بزرگسالی به یک مشکل روانی بزرگ برسند، همه قاتل‌های سریالی دنیا قربانیان خود را از یک طبقه اجتماعی خاص انتخاب می‌کنند، همه این افراد آیین و روش خاصی برای قتل‌هایشان دارند، همه معمولاً ماجلی برای انجام قتل دارند و معمولاً یادگاری‌هایی‌هم از مقتول برمی‌دارند. این اشتراکات در تمام سریال‌های جنایی که از فرمول ژانر تبعیت کرده‌اند وجود دارد و با این حساب همه ما-ز یک تقلید و کپی‌برداری کرده‌ایم. به این ترتیب باید بگوییم که ما الگوبرداری کرده‌ایم اما باز هم از یک محصول مشخص نمی‌توان اسم برد. امروز کرده و در سینما نیز حضور فعالی داشته اما اربلق «دهد، معمولاً آثار نمایشی از یک الگو پیروی می‌کنند و تفاوت در زاویه نگاه مولف است.

در این سریال مسائل ملل اجتماعی روز مثل «جنینش می‌توه»، «فساد رسانه‌ای»، «فاجاع اعضای بدن» و… مطرح می‌شود که برای مخاطب پشت صحنه این اتفاقات جالب است اما آنچه

که روایت می‌شود جقدر مبتنی بر یک تحقیق اجتماعی دقیق است. با توجه به این مسئله استقبال از سریال رضایت‌بخش بوده یا خیر؟

اتفاقاً با سریال «خون سرد» این پلتفرم بیشتر به مخاطبان معرفی شد و تا امروز هم بیشترین میزان مخاطب را در فرمول داشته است و با وجود اینکه شرایط جامعه در این روزها دردناک و غمگین است و کمتر کسی شاید میل به دیدن فیلم و سریال داشته باشیم، البته باید بگوییم که در این سریال به شخص خاصی اشاره نکرده‌ایم و جریان‌ها

فرهنگی

اخبار کوتاه

جشنواره موسیقی «امیرجاهد» به تعویق افتاد



برگزاری چهارمین جشنواره سراسری موسیقی «امیرجاهد» به دلیل درخواست شرکت‌کنندگان تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاد. به گزارش ایلنا به نقل از خانه موسیقی ایران، مهدی مساح بیدگلی (دبیر اجرایی چهارمین جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد) از به تعویق افتادن مرحله دوم داوری (اجرای صحنه‌ای شرکت‌کنندگان چهارمین دوره جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد) در بخش دونوازی و گروه نوازی از اطلاع ثانوی خبر داد. بیدگلی گفت: با توجه به درخواست برخی شرکت‌کنندگان و به صلاحدید شورای سیاستگذاری، مسئولان و داوران جشنواره مقرر شدن از آنجایی که هدف اصلی برگزاری جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد، کشف استعدادهای درخشان، حمایت از هنرمندان نسل جوان و فراهم کردن بستری مناسب جهت رشد و پیشرفت اصولی این سرمایه‌های ارزشمند کشور و همچنین دیده شدن آن‌ها بوده است، تا زمان مساعد شدن شرایط کنونی کشور، برگزاری مرحله اجرای حضوری این بخش به تعویق بیفتد و مراسم اختتامیه دوره چهارم جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد متعلقاً اعلام خواهد شد. وی افزود، تمام برنامه‌ریزی‌های اجرای جشنواره از قرارداد سالان، انتخاب هیئت داوران، هماهنگی‌های پشتیبانی و غیره انجام شده بود که قصد داشتیم خبر آن را منتشر کنیم اما متأسفانه شرایطی در کشور ایجاد شد که بهتر دانستیم صبر کنیم تا اوضاع بهتر شود. از تمام شرکت‌کنندگان به خاطر صبوری که در این مسیر داشتند نهایت تشکر را دارم. بیدگلی از اعلام فراخوان دوره پنجم جشنواره خبر داد افزود: در روز شنبه مورخ ۲۱ آبان ماه ثبت نام متقاضیان در بخش‌های تکنوازی، دونوازی و گروه نوازی آغاز می‌شود و تا ۱۵ اسفند ماه ادامه خواهد داشت. چهارمین دوره جشنواره سراسری موسیقی «امیرجاهد» با همکاری خانه موسیقی ایران و خانه موزه دکتر معین و محمدعلی امیرجاهد در دو شاخه موسیقی سنتی (دونوازی_ اجرای گروهی _ آواز) و موسیقی کلاسیک (دونوازی_ اجرای گروهی _ آواز) در رده‌های سنی الف (۷ تا ۱۴ سال)، ب (۱۵ تا ۲۲ سال)، ج (۲۳ تا ۳۰ سال) برگزار می‌شود.

«درب» در جشنواره سه قاره نانت فرانسه رقابت می‌کند



فیلم سینمایی «درب» به کارگردانی هادی محقق و تهیه‌کنندگی رضا محقق در سومین حضور جهانی خود به بخش مسابقه بین‌الملل چهل و چهارمین دوره جشنواره سه قاره در شهر نانت فرانسه راه یافت. این جشنواره پس از فستیوال کن، مهم‌ترین جشنواره فرانسه محسوب می‌شود. کارگردان و تهیه‌کننده فیلم به دعوت جشنواره، در این رویداد حضور خواهند یافت. آخرین بار که فیلمی از سینمای ایران در بخش مسابقه جشنواره سه قاره نانت حضور داشته است به سال ۲۰۱۵ و فیلم «ما در بهشت» ساخته سنا عبانویان دنا برمی‌گردد. فیلم «درب» در اولین حضور جهانی خود، جشنواره بین المللی فیلم بوسان را افتتاح کرد و توانست برنده جایزه اصلی بخش رقابتی جی‌سنوک جشنواره شود. این فیلم در دومین حضور جهانی خود در نهمین دوره جشنواره فیلم کاتولیک (کاف) که ماه اکتبر در شهر سنوکل کره جنوبی برگزار شد، نیز حضور داشت. «درب» روایتگر مامور اداره برقی است که قرار است برق خانه‌ای تک و دورافتاده را وصل کند. هادی محقق، محمد اقبالی و… از جمله بازیگران این اثر هستند. پخش بین‌المللی فیلم برپه‌ده علی قاسمی‌است. چهل و چهارمین دوره جشنواره سه قاره قرار است بین روزهای ۱۸ تا ۲۷ نوامبر (۱۷ آبان تا ۶ آذر) در شهر نانت کشور فرانسه برگزار شود.

احتمال ساخت نسخه‌های جدید هری پاتر



مدیرعامل کمپانی سینمایی وارنر دیسکاکوری به عنوان مالک حق تولید آثار سینمایی هری پاتر از تولید نسخه‌های جدید این اثر در صورت موافقت «جی.کی. رولینگ» به عنوان نویسنده این مجموعه آثار خبر داد. به گزارش خبرنگار سینمایی ایرنا از هالیوود ریپورتر، دیوید زاسلاو مدیرعامل وارنر دیسکاکوری از تمایل این کمپانی برای ساخت فیلم‌های بیشتر از داستان‌های «هری پاتر» خبر داد گفت: ما قصد داریم تمرکزمان را روی حق امتیاز فرنچایزهای سینمایی بگذاریم، وی با بیان آنکه ما ۱۳ سال است که یک فیلم «سوپرمن» نداشتیم‌ایم ادامه داد: ۱۵ سال است که یک فیلم «هری پاتر» تولید نکرده‌ایم. فیلم ابرقهرمانی دی‌سی و هری پاتر طی ۲۵ سال گذشته سودهای کلانی برای کمپانی وارنر به همراه آورده‌اند. زاسلاو تأکید کرد: تهیه و تولید نسخه‌های جدید هری پاتر در صورت به توافق رسیدن با جی. کی. رولینگ به عنوان نویسنده و خالق مجموعه داستان‌های این شخصیت خواهد بود. کمپانی وارنر بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ هشت فیلم از قصه «هری پاتر» را روانه سینماها کرد که ۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار در سطح جهان فروش داشت.

جایزه «گنگور» در دستان سیزدهمین نویسنده زن



«بریزوت ژيرو» نویسنده الجزایری‌الاصل فرانسوی به سیزدهمین زن نویسنده‌ای بدل شد که جایزه ادبی «گنگور» را از آن خود کرد. به گزارش ایرنا از گاردین، جایزه «گنگور»، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین جایزه ادبی فرانسه شامگانه پنجشنبه (۱۲ آبان ۱۴۰۱ - ۱۳ نوامبر ۲۰۲۲) برای سیزدهمین بار در ۱۲۰سال اخیر به یک نویسنده زن اهدا شد. بریزوت ژيرو (Brigitte Giraud)، نویسنده ۶۵ساله نویسنده الجزایری‌الاصل فرانسوی در رمان و داستان‌های کوتاه برای نگارش «سریر زندگی کن» به عنوان برنده این دوره از جایزه ادبی «گنگور» اعلام شد. «سریر زندگی کن» داستانی کوتاه با محوریت خودزندگی‌نامه است که «ژيرو» در آن زنجیره‌ای از وقایعی را روایت می‌کند که به مرگ همسرش «کلود» در جریان یک تصادف با موتور سیکلت در سال ۱۹۹۹ میلادی منتهی می‌شود. جولیان دایمپولی «ژيرو»، نزدیک‌ترین شانس به کسب این جایزه بود. از زمان انتشار کتاب «ساحر کرمیلین» از ۶ ماه پیش تاکنون ۱۰۰ هزار نسخه از آن به فروش رسیده است. «کلونه کورمن» برای «تقریباً خواهر» و «مکنزی اورسل» برای «خلاصه‌ای درباره انسان» نیز از جمله نامزدهای نهایی «گنگور ۲۰۲۲» بودند.

به گزارش ایرنا، جایزه «گنگور»، قدیمی‌ترین و معتبرترین جایزه ادبی فرانسه محسوب می‌شود که برنده آن نوامبر هر سال به انتخاب هیات ۱۰ نفره داوران اعلام می‌شود.

جایزه نقدی «گنگور» فقط ۱۰ یورو است، اما کسب آن برای برنده شهرت و فروش شگمگیر کتابش را تضمین می‌کند. اغلب برگزیدگان این جایزه ترجیح می‌دهند چک‌کی که برای این جایزه دریافت می‌کنند را به جای نقد کردن، قان کنند. سال گذشته (۲۰۲۱ میلادی)، «محمد امبوگر سار» نویسنده سنگالی برای نگارش «حرمانه‌ترین راز انسان» به عنوان برنده جایزه «گنگور» انتخاب شد و به نخستین نویسنده اهل «آفریقای سیاه» تبدیل شد که جایزه «گنگور»، قدیمی‌ترین و معتبرترین جایزه ادبی فرانسه را دریافت کرده است.